

Investigate mediating effect of self-esteem in the relationship between insecure attachment styles with marital burnout opiate addicts

*Nader Ayadi¹, Mohsen Rasouli², Ali Mohammad Nazari³

Author Address

1. MA student family counseling, group counseling, College of Humanity and Psychology, Khwarizmi University, Tehran, Iran;
2. Assistant Professor of guidance & counseling group, College of Humanity and Psychology, Khwarizmi University, Tehran, Iran;
3. Associate Professor of counseling, group counseling, College of Humanity and Psychology, Khwarizmi University, Tehran, Iran.
*Corresponding Author Address: Alborz, Karaj, Shahid Beheshti Ave., University Square, Khwarizmi University.
*E-mail: ayadinader23@gmail.com

Received: 2016 August 31; Accepted: 2016 September 12

Abstract

Objective: Substance use and its unpleasant consequences are a major social concern. Opiate addiction influenced by variety of factors. Simultaneously, it affects various aspects of life due to its multidimensional nature. The aim of this study was to investigate mediating effect of self-esteem in the relationship between insecure attachment styles with marital burnout among opiate addicts.

Methods: This is a descriptive correlation study. The population of the study included all opiate addicts admitted to addiction treatment centers in Tehran- Iran. Cluster sampling used to recruit 215 participants. In so doing, eight randomly chosen districts of Tehran with top four-drug rehabilitation center selected. In the next step, three addiction treatment centers from the each district randomly selected, from which all the participants were recruited. The research instruments were Self- Esteem Questionnaire (SEQ) developed by Rosenberg, Adult Attachment style Inventory (AAAI) developed by Collins & Read and Married Burnout Questionnaire (MBQ) developed by Pines. Pearson correlation and multiple regressions used to analyze the data.

Results: The results of correlation matrix between insecure attachment style, self-esteem and marital burnout showed that there is a significant relationship between insecure attachment style and self-esteem with marital burnout of opiate addicts. So that there is a positive relationship between insecure attachment styles with marital burnout and there is a negative and significant relationship between self-esteem with addicts' marital burnout. Also, the result of correlation matrix showed that insecure attachment style has the negative correlation with self-esteem. In addition ($P=0.003$, $\beta=0.238$). Also, Insecure attachment style indirectly affects the self-esteem, causing changes in marital burnout ($P>0.001$, $\beta=0.239$). In other words, insecure attachment style directly increases the marital burnout. At the same time, it also decreases their self-esteem, which in turn leads to an increase in marital burnout.

Conclusion: Research findings showed that self-esteem plays a mediating role in the relationship between insecure attachment style and marital burnout. So, due to the important role of self-esteem in the personal and marital life, it is necessary to pay attention to the role of psychological variables in social pathology prevention programs. Also, regarding the role of the child's intimate relationships with parents in childhood on individual's future social and marital communications, providing education to families about favorable parenting style and their impact on future children's life can play an important role in the quality of next-child interpersonal relationships in various dimensions of their life such as social and marital affairs.

Keywords: Insecure attachment style, Self-Concept, marital burnout & Morphine Dependence.

بررسی نقش واسطه‌ای عزت‌نفس در رابطه با سبک دلبستگی نایمن و دزدگی زناشویی معتادان مواد افیونی

*نادراعیادی^۱، محسن رسولی^۲، علی محمد نظری^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

*آدرس نویسنده مسئول: البرز، کرج، خیابان شهید بهشتی، میدان دانشگاه، دانشگاه خوارزمی.

*ارایانامه: aydinader23@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۲۲ شهریورماه ۱۳۹۵

چکیده

زمینه و هدف: به دلیل چندوجهی بودن اعتیاد و نقش مهم عزت‌نفس در بروز مسائل مختلف فردی و زناشویی، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای عزت‌نفس در رابطه با سبک دلبستگی نایمن و دزدگی زناشویی معتادان به مواد افیونی بود.

روش بررسی: طرح پژوهش حاضر، همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی معتادان مواد افیونی مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران تشکیل دادند که از بین آن‌ها ۲۱۵ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه عزت‌نفس روزنبرگ، مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز ورید و پرسشنامه دزدگی زناشویی پایینز استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی (هم‌چون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) و نرم‌افزار SPSS (ورژن ۲۱) استفاده گردید.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دلبستگی نایمن علاوه بر اثر معنادار مستقیم بر دزدگی زناشویی معتادان مواد افیونی ($\beta = ۰/۲۳۸$ و $P = ۰/۰۰۳$)، به‌طور غیرمستقیم نیز با اثرگذاری بر عزت‌نفس باعث تغییر در دزدگی زناشویی می‌گردد ($\beta = ۰/۲۳۹$ و $P < ۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان داد عزت‌نفس در رابطه با دلبستگی نایمن و دزدگی زناشویی نقش واسطه‌ای دارد، توجه به نقش عزت‌نفس در مداخله‌های درمانی و آموزش‌های خانواده، ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی نایمن، عزت‌نفس، دزدگی زناشویی، معتادان مواد افیونی.

که بین سبک دلبستگی ایمن و کاهش تعارضات زناشویی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، افرادی که سبک دلبستگی ایمنی داشتند، دارای تعارض زناشویی کمتری هستند. به طور کلی، دلبستگی ایمن با رضایت مندی زناشویی بیش تر و دلبستگی غیرایمن با رضایت مندی زناشویی کم تر، رابطه دارد (۱۲).

متغیری که هم در گرایش افراد به مصرف مواد و هم بر زندگی فردی و زناشویی آن‌ها بعد از اعتیاد تأثیر می‌گذارد، عزت نفس است. عزت نفس پایین، کمبود احساس خودکارآمدی و قدرت انطباق پذیری ضعیف در مواجهه با رویدادهای روزانه می‌تواند مقدمات اعتیاد و رفتارهای اعتیادی را فراهم نماید (۱۳). از سوی دیگر، عزت نفس، پدیده‌ای روان‌شناختی است که تأثیر قاطعی بر ابعاد عاطفی و شناختی انسان دارد و در مقابله با فشارهای زندگی، یک منبع مؤثر و مهم شناخته می‌شود. از آن‌جاکه عزت نفس، قطعی‌ترین عامل در روند رشد روانی فرد محسوب می‌شود، هر اندازه که فرد در کسب عزت نفس دچار شکست شود، دست‌خوش اضطراب، تزلزل روانی، بدگمانی از خود و احساس عدم کفایت از زندگی می‌گردد (۱۴). سالاری (۱۵) در پژوهشی با موضوع عزت نفس و دزدگی زناشویی نشان داد که عزت نفس با دزدگی زناشویی رابطه مستقیم دارد. پوردهقان، محمدی و محمودنیا (۱۶) نیز در پژوهشی درباره رابطه عزت نفس با رضایت زناشویی دریافتند که بین عزت نفس با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بشلیده (۱۷) نیز در پژوهشی نشان داد که عزت نفس نقش واسطه‌ای کاملی بین رضایت زناشویی و رضایت شغلی دارد.

با توجه به رابطه سبک‌های دلبستگی و عزت نفس (۸) و پیشینه پژوهشی موجود، عزت نفس با دزدگی زناشویی مرتبط است (۱۵/۱۷). شاید بخشی از اثرگذاری سبک دلبستگی نایمن بر دزدگی زناشویی، به وسیله عزت نفس قابل تبیین باشد. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم عزت نفس بر دلبستگی نایمن و دزدگی زناشویی معتادان مواد افیونی است.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر، هم‌بستگی از نوع تحلیل مسیر و جامعه آماری آن، کلیه مردان سوء مصرف‌کننده مواد اوپیویدی (افیونی) مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران بود. روش نمونه‌گیری تحقیق، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود که به منظور انتخاب نمونه مورد پژوهش، ابتدا از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، ۸ منطقه (که بالای ۴ مرکز ترک اعتیاد داشتند) و از هر منطقه نیز ۳ مرکز ترک اعتیاد، به صورت تصادفی انتخاب شد. از میان این مراکز، با توجه به ملاک‌های پژوهش و بیان اهداف پژوهشی و جلب رضایت آگاهانه، ۱۵ - ۱۰ نفر (مرد و متأهل) به شیوه تصادفی گزینش شدند و در نهایت، ۲۱۵ نفر جامعه نمونه پژوهش را تشکیل دادند. با در نظر گرفتن عدم همکاری برخی مراکز، مخدوش بودن و ناقص پُر شدن پرسش‌نامه‌ها، جمعاً تعداد ۲۰۰ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های به دست آمده از

مصرف مواد و پیامدهای ناخوشایند آن از مهم‌ترین و ناگوارترین دغدغه‌ها و آسیب‌های اجتماعی حال حاضر دنیا محسوب می‌شود و مدت‌هاست که نظر متخصصین بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. مواد مخدر، یکی از مشکلات اساسی بهداشت کشورهاست که باعث بروز برخی بیماری‌های عفونی می‌شود و تهدیدی برای سلامت و زندگی انسان‌ها می‌باشد (۱). تأثیر اعتیاد بر کیفیت رابطه زوجین و وجود یا فقدان روابط صمیمی پایدار یا ناپایدار بین آن‌ها، می‌تواند آینده رابطه زناشویی را به خطر اندازد. اعتیاد می‌تواند صمیمیت بین همسران را مورد تهدید قرار دهد، یا به آن آسیب برساند، یا به ورطه زوال تدریجی بکشانند و زمینه دزدگی زناشویی را فراهم نماید. زوجینی که تمایل به استفاده از مواد مخدر دارند، از رضایت زناشویی کم‌تری برخوردار هستند (۲). دزدگی زناشویی به عنوان یک حالت رنج‌آور جسمانی، عاطفی و روان‌شناختی بر زندگی زوجین اثر می‌گذارد و زمانی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند رابطه‌شان، علی‌رغم تلاش زیاد، معنایی به زندگی‌شان نمی‌دهد (۳). افراد معتاد معمولاً تعارضات و مشکلات زناشویی زیادی دارند که می‌تواند زمینه بروز دزدگی زناشویی آن‌ها را فراهم کند. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده است که ۸۲ درصد از معتادان و همسران‌شان از ناسازگاری زناشویی رنج می‌برند (۴). نتایج مطالعه حبیبیان و همکاران (۵) نشان داد که رضایت زناشویی همسران معتاد به مراتب کم‌تر از رضایت زناشویی همسران غیرمعتاد است. بهزاد و همکاران (۶) نیز در مطالعه خود دریافتند که زنان معتاد نسبت به زنان غیرمعتاد از رضایت زناشویی کم‌تری برخوردارند.

از جمله عوامل تاثیرگذار بر رضایت زناشویی که می‌تواند بر دزدگی زناشویی افراد معتاد نیز مؤثر باشد، سبک دلبستگی نایمن است (۷). سبک دلبستگی، تجسم درونی فرد است از رابطه دلبستگی که در کودکی با مراقبان خود داشته است. سبک دلبستگی فرد در کودکی، الگوی تعامل وی با افراد مهم زندگی در بزرگسالی را تعیین می‌کند. به همین خاطر، بین سبک دلبستگی مادر- نوزاد و مدل رابطه عاشقانه فرد در بزرگسالی رابطه وجود دارد (۸). یک فرض اساسی نظریه دلبستگی بالبی^۱ این است که در فرد بزرگسال تنیدگی‌های جسمانی یا روان‌شناختی به‌طور خودبه‌خودی، سبک دلبستگی کودکی را فعال می‌کنند. ادراک یک تهدید احتمالی یا واقعی در بزرگسالی، منجر به فعال شدن سبک دلبستگی کودکی می‌شود. وقتی سبک دلبستگی فعال شود، با توجه به سبک دلبستگی فرد، وی به دنبال راهی می‌گردد که در دسترس باشد و امنیت وی را برآورده سازد. سبک دلبستگی، تحت شرایط و حالت‌های مختلف از جمله تنیدگی‌ها و تهدیدهایی فعال می‌شود و فرد را به سمت یافتن راه‌حل متناسب با سبک دلبستگی، سوق می‌دهد. بنابراین احتمال مجموعه رفتارهای پُرخطر از جمله مصرف مواد در دل‌بسته نایمن بالاست (۹). تحقیقات مختلفی نشان داده‌اند که سبک دلبستگی با دزدگی هم‌بسته است؛ به طوری که هم‌بستگی مثبتی بین سبک نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و دزدگی وجود دارد (۱۰). طالبی و همکاران (۱۱) نیز در پژوهشی نشان دادند

^۱ Bowlby

تحقیق، با استفاده از روش تحلیل مسیر و به کمک نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

۱) مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز ورید (RASS): این مقیاس شامل خود ارزیابی از مهارت‌های ایجاد ارتباط با شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است و سه خرده‌مقیاس دارد که عبارتند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی مضطرب دوسوگرا. این سه خرده‌مقیاس، شامل ۱۸ ماده است که با علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت (برای هر ماده، از ۰ «اصلاً ویژگی من نیست» تا ۴ «کاملاً ویژگی من است») سنجیده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ به دست آمده است که نشانه همسانی درونی مقیاس دلبستگی است (۱۸). در ایران نیز، پاک‌دامن در سال ۱۳۸۰ روایی و اعتبار نسخه فارسی این مقیاس را در حد مطلوبی گزارش کرده است. پاک‌دامن میزان اعتبار آزمون را با استفاده از بازآزمایی بیش از ۰/۸۰ گزارش کرده است (۱۹).

۲) مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ (SES): این مقیاس، عزت‌نفس کلی و ارزش شخصی را اندازه می‌گیرد. این مقیاس، شامل ۱۰ عبارت کلی با مقیاس لیکرتی ۴ درجه (از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم») که میزان رضایت از زندگی و داشتن احساس خوب در مورد خود را می‌سنجد. در این مقیاس، ۵ سؤال (سوالات ۲/۵/۶/۸/۹) به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و دامنه آن از صفر تا ۳۰ است. به نظر بورت و رایت (۲۰) مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ یکی از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری عزت‌نفس بوده و مقیاس معتبری در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا برای عزت‌نفس از مفهومی مشابه با مفهوم ارائه شده در نظریه‌های روان‌شناختی درباره «خود» استفاده می‌کند. این مقیاس، ضرایب همبستگی قوی‌تری نسبت به پرسش‌نامه عزت‌نفس کوپر اسمیت (SEI) دارد و در سنجش سطوح عزت‌نفس دارای روایی بالاتری است (۲۰). در پژوهش روزنبرگ، ضریب تکرارپذیری ۰/۹۲ با پایداری داخلی عالی با مقیاس‌پذیری ۰/۷۲ برای این مقیاس به دست آمده بود و به طور معناداری با دیگر مقیاس‌های عزت‌نفس، از جمله مقیاس عزت‌نفس کوپر اسمیت، همبستگی داشت (۲۱). روزنبرگ (۱۹۸۹) گزارش کرده است که این مقیاس، از روایی داخلی رضایت‌بخشی برخوردار است (۰/۷۷). هم‌چنین این مقیاس، همبستگی بالایی با پرسش‌نامه ملی نیویورک و گاتمن در سنجش عزت‌نفس دارد؛ لذا روایی محتوایی آن نیز مورد تأیید است (۲۱).

۳) مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM): مقیاس دلزدگی از ۲۱ ماده که نشان‌دهنده نشانگان دلزدگی زناشویی است، ساخته شده است. ۱۷ ماده آن شامل عبارات‌های منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن و ۴ ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال بودن و پُرانرژی بودن است. نمره‌گذاری این مقیاس، در یک بازه ۷ درجه‌ای

لیکرت در دامنه‌ای از (۱: هرگز) تا (۷: همیشه) می‌باشد که آزمودنی، تعداد دفعات موارد مطرح شده در رابطه زناشویی خود را مشخص می‌سازد. نمره‌گذاری ۴ ماده به صورت معکوس انجام می‌شود و نمره بالاتر آزمودنی در این مقیاس، نشانه دلزدگی بیش‌تر است. روایی این مقیاس به وسیله محاسبه همبستگی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت، مانند نظر مثبت در مورد یک رابطه، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدف‌مندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی با همسر، به طور معنی‌داری گزارش شده است (۲۲). ضریب اطمینان آزمون-بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای دوره دو‌ماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه بوده است. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب آلفا بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ به دست آمده است (۲۳). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را برای نمونه ۲۴۰ نفری (۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم)، ۰/۸۶ به دست آورده است (۱۰).

۳ یافته‌ها

نتایج حاصل از یافته‌های دموگرافیک پژوهش حاضر نشان داد که ۶۴ نفر (۳۲ درصد) در دامنه سنی ۳۰-۲۰، ۸۰ نفر (۴۰ درصد) در دامنه سنی ۴۱-۳۱ و ۵۶ نفر (۲۸ درصد) در دامنه سنی ۵۰-۴۲ قرار داشتند. هم‌چنین یافته‌های جمعیت‌شناختی پژوهش نشان داد که ۳۰ نفر (۱۵ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۵۳ نفر (۲۶/۵ درصد) راهنمایی، ۷۴ نفر (۳۷ درصد) دیپلم، ۲۹ نفر (۱۴/۵ درصد) فوق دیپلم و ۱۴ نفر (۷ درصد) دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند. هم‌چنین در بخش آمار توصیفی، یافته‌ها نشان داد که میانگین و انحراف معیار دلبستگی ناایمن (۱۱/۴۲±۱۸/۰۲)، عزت‌نفس (۱۲/۴±۹۵/۰۷) و میانگین و انحراف معیار دلزدگی زناشویی (۱۰۴/۱۷±۲۰/۰۹) می‌باشد.

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف نشان داد که مقدار آمار Z برای هیچ یک از متغیرهای دلبستگی ناایمن، عزت‌نفس و دلزدگی زناشویی معنادار نمی‌باشد ($p > 0/05$)؛ لذا توزیع نمرات متغیرها نرمال است و پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها برقرار است و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده کرد.

در بخش آمار استنباطی نیز نتایج ضرایب همبستگی نشان داد که بین دلبستگی ناایمن و دلزدگی زناشویی، همبستگی معناداری وجود ندارد ($r = 0/07$ ، $p > 0/05$)؛ اما متغیر عزت‌نفس، رابطه منفی معناداری با دلزدگی زناشویی ($r = -0/20$ ، $p < 0/01$) و با دلبستگی ناایمن، همبستگی منفی معناداری ($r = -0/77$ ، $p < 0/01$) را نشان داد. برای بررسی این‌که دلبستگی ناایمن و عزت‌نفس، توانایی پیش‌بینی دلزدگی زناشویی معنادان را دارد، از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۱. نتایج تحلیل رگرسیون برای تعیین نقش دلبستگی ناایمن و عزت‌نفس در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی معنادان

متغیر	β	SE	آماره t	مقدار p
دلبستگی ناایمن	۰/۲۳۸	۰/۱۵	۲/۱۷	۰/۰۰۳
عزت‌نفس	-۰/۳۸	۰/۲۸	-۴/۲۵	۰/۰۰۱

در جدول (۱) ملاحظه می‌شود که با تعدیل اثر عزت نفس و ورود آن به مدل بررسی، ارتباط بین دو متغیر دل‌بستگی نایمن با دلزدگی زناشویی، تأثیر هر دو متغیر دل‌بستگی نایمن ($p=0/003$) و عزت نفس ($p<0/001$) بر دلزدگی زناشویی، معنادار است؛ در صورتی که هم‌بستگی دوگانه بین متغیرها نشان داده بود که دل‌بستگی نایمن، رابطه معناداری با دلزدگی زناشویی ندارد. در تحلیل رگرسیون چندگانه و

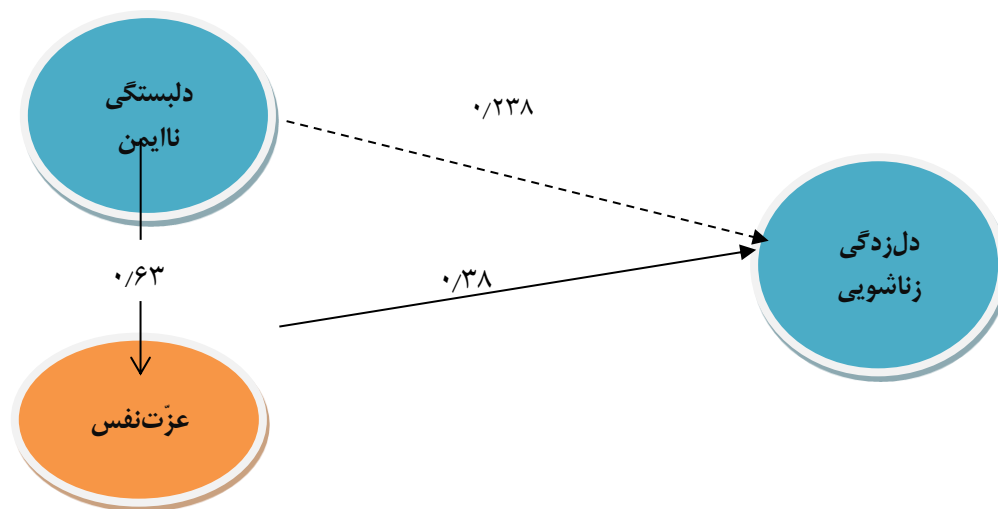
تحت تأثیر متغیر عزت نفس، اثر دل‌بستگی نایمن بر دلزدگی زناشویی، معنادار شد که نشان از اهمیت تأثیر عزت نفس بر رابطه دل‌بستگی نایمن و دلزدگی زناشویی دارد (جدول ۱). اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در تحلیل مسیر بر اساس ضرایب بتا بررسی شد که نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. میزان و سطح معناداری اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در تحلیل مسیر

متغیر	اثر مستقیم	مقدار p	اثر غیرمستقیم	مقدار p
دل‌بستگی نایمن بر دلزدگی زناشویی	۰/۲۳۸	۰/۰۰۳	۰/۲۳۹	۰/۰۰۱
عزت نفس بر دلزدگی زناشویی	-۰/۳۸	۰/۰۰۱	-	-
دل‌بستگی نایمن بر عزت نفس	-۰/۶۳	۰/۰۰۱	-۰/۱۳	۰/۰۰۱

دلزدگی زناشویی، نقش واسطه‌ای دارد، تأیید می‌گردد و مدل نظری حاصل از این نتیجه در شکل (۱) نشان داده شده است. نتیجه تحلیل مسیر نشان می‌دهد که دل‌بستگی نایمن با کاهش عزت نفس افراد معنادار موجب افزایش دلزدگی زناشویی آن‌ها می‌شود. بنابراین، عزت نفس، نقش مهمی در افزایش دلزدگی زناشویی معنادان مواد افیونی دارد و به عنوان متغیر واسطه می‌تواند رابطه دل‌بستگی نایمن با دلزدگی زناشویی معنادان را میانجی‌گری کند (شکل ۱).

باتوجه به جدول (۲) نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که اثرات مستقیم و غیرمستقیم تمامی مسیرهای پیشنهادی در مدل، معنادار می‌باشند. این جدول نشان می‌دهد که دل‌بستگی نایمن به‌طور مستقیم ($\beta=0/238$) و $p=0/003$) بر دلزدگی زناشویی اثر می‌گذارد. هم‌چنین به‌طور غیرمستقیم و با اثرگذاری بر عزت نفس ($\beta=0/239$ و $p<0/001$) باعث تغییر در دلزدگی زناشویی می‌گردد. با توجه به این نتایج، فرضیه پژوهش مبنی بر این‌که عزت نفس در رابطه بین دل‌بستگی نایمن با



شکل ۱. مدل نظری حاصل شده

نیز در این زمینه نشان دادند که دل‌بستگی نایمن با رضایت‌مندی زناشویی بیش‌تر و دل‌بستگی غیر نایمن با رضایت‌مندی زناشویی کم‌تر، رابطه دارد. هم‌چنین در مورد نقش واسطه‌ای عزت نفس در ایجاد رابطه بین دل‌بستگی نایمن و دلزدگی زناشویی معنادان مواد افیونی، نتیجه پژوهش حاضر با نتایج مطالعه بشلیده (۱۷) هم‌خوان است: عزت نفس نقش واسطه‌ای کاملی بین رضایت زناشویی و رضایت شغلی دارد. علاوه بر این سالاری (۱۵) نیز در پژوهشی دریافت که عزت نفس با دلزدگی زناشویی رابطه مستقیمی دارد.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر، چنین می‌توان گفت که افراد با سبک دل‌بستگی نایمن به‌دلیل تجارب ارتباطی منفی خود با افراد نزدیک،

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای عزت نفس در رابطه با دل‌بستگی نایمن و دلزدگی زناشویی سوء‌مصرف‌کنندگان مواد افیونی بود. نتیجه تحلیل مسیر نشان داد که دل‌بستگی نایمن علاوه بر اثر مستقیم بر دلزدگی زناشویی، می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم و با اثرگذاری بر عزت نفس افراد معنادار، دلزدگی زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در خصوص رابطه مستقیم دل‌بستگی نایمن با دلزدگی زناشویی معنادان، نتیجه پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات طالبی و همکاران (۱۱)، هم‌سو می‌باشد که نشان دادند سبک دل‌بستگی با تعارضات زناشویی، رابطه معناداری دارد. دیباجی و همکاران (۱۲)

معمولاً با گسترش بی‌اعتمادی و دید منفی ناشی از این تجارب، در آینده نیز مانند زندگی زناشویی و ارتباط با همسر، در صمیمی شدن با دیگران احساس راحتی نمی‌کنند و به خود اجازه نمی‌دهند که به راحتی به دیگران اعتماد کنند و به آن‌ها وابسته شوند. در این زمینه، بالبی بیان می‌کند که تجربه ناامنی در رابطه دل‌بستگی، با ویژگی‌های بی‌اعتمادی، آسیب‌پذیری، حساسیت و مشکلات ارتباطی، هم‌بستگی دارد (۲۴). مؤمن‌زاده نیز نشان داد که افراد دل‌بسته نایمن، معمولاً در صمیمی شدن با دیگران چندان راحت نیستند و امکان یاری دیگران را در هنگام تنیدگی رد می‌کنند و در ارتباط با همسرشان هم شیوه اجتنابی را اتخاذ می‌کنند (۲۵). این خصوصیات افراد با سبک دل‌بستگی نایمن باعث می‌شود تا در زندگی زناشویی نیز به سختی احساس صمیمیت کنند. این افراد نگرانی افراطی در خصوص رابطه خویش دارند که ممکن است با تلاش همسر برای ایجاد روابط گرم و صمیمانه با آن‌ها نوعی احساس نگرانی و اضطراب به آن‌ها دست دهد و در نتیجه بیش‌تر از همسر خویش فاصله بگیرند. بنابر پژوهش‌های صورت گرفته مشخص شده است که افراد با سبک دل‌بستگی نایمن معمولاً اعتقاد دارند که همسران‌شان از آن‌ها می‌خواهند که بیش از آنچه احساس راحتی می‌کنند خودمانی و صمیمی باشند (۲۵). از آن‌جا که یکی از کارکردهای اولیه دل‌بستگی، تنظیم درون‌فردی تجربه‌های عاطفی است، افراد با دل‌بستگی ایمن به دنبال حمایت‌های اجتماعی برای کنارآمدن با تنیدگی‌های عاطفی هستند. در حالی که افراد با دل‌بستگی نایمن گرایش دارند که از راه‌های دیگری همچون الکل و مواد به‌عنوان مکانیزم‌های کنار آمدن استفاده کنند. بنابر نظر اینسورث وقتی کودکان دارای دل‌بستگی نایمن، با یک موقعیت ناآشنا که اضطراب برانگیز است مواجه می‌شوند، گمان می‌کنند که نمی‌توانند بر حمایت مادر تکیه کنند و لذا به شیوه دفاعی واکنش نشان می‌دهند. این رفتار دفاعی ممکن است به یک بخش فراگیر و تثبیت شده شخصیت تبدیل شود. به این ترتیب کودک در بزرگسالی بیش‌ازحد متکی به خود و غیر وابسته است؛ هرگز از بدگمانی خود دست برنمی‌دارد و به دیگران آن‌قدر اعتماد ندارد که بتواند روابطی صمیمانه با آن‌ها برقرار کند (۲۶).

هم‌چنین با توجه به نتیجه پژوهش حاضر و پیشینه پژوهشی در زمینه رابطه معنادار دل‌بستگی نایمن با عزت‌نفس (۸)، در خصوص نقش واسطه‌ای عزت‌نفس در رابطه بین دل‌بستگی نایمن با دلزدگی زناشویی می‌توان گفت که همان‌طور که مطالعات مختلف نشان داده‌اند، عزت‌نفس پایین، شخص را مستعد می‌کند تا در برابر موقعیت‌هایی که خطری ندارند، مضطرب شود. فرد در چنین شرایطی، قادر به

واکنش مناسب در برابر عوامل استرس‌زا نبوده، بنابراین عوامل فوق‌الذکر موجب تشدید استرس، اضطراب و تضاد بین فردی می‌شود (۲۷). این در حالی است که خستگی عاطفی که یکی از مؤلفه‌های دلزدگی زناشویی می‌باشد، معمولاً پیامد مستقیم تضاد است (۲۸). ویرجینا ستیر به نقش مهم عزت‌نفس در روابط خانوادگی اشاره می‌کند و معتقد است که عزت‌نفس پایین با ارتباط ضعیف بین اعضای خانواده، هم‌خوان است. خانواده درمان‌گران اغلب بیان می‌کنند که ارتباطات ضعیف در درون خانواده موجب مشکلات خانوادگی شدید، شکست در حل مشکلات و فقدان صمیمیت می‌شود (۲۹). این در حالی است که عطاری و همکاران (۳۰) در این باره نشان دادند که اگر همسران به دنبال روابط ضعیف زناشویی، نیازهای خود را مطرح نکنند یا در ارتباط با یک‌دیگر به نیازهای هم پی نبرند و به راه‌حل مثبتی برای دستیابی به نیازهای‌شان نرسند استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و سرانجام دلزدگی پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر نوعی چرخه معیوب بین عزت‌نفس پایین و دلزدگی زناشویی شکل می‌گیرد؛ به این‌صورت که از یک‌سو، عزت‌نفس پایین موجب کاهش صمیمیت زناشویی و تضعیف روابط بین زوجین می‌شود و روابط ضعیف زوجین نیز بر ارضانشدن نیازهای مختلف زوجین، هم‌چون نیاز به دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن و حس ارزشمندی آن‌ها اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، عدم ارضای حس عزت‌نفس، با افزایش استرس و تنش بین زوجین، موجبات دلزدگی و نارضایتی زناشویی آن‌ها را فراهم می‌کند. تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان داده‌اند که اگر نیاز به عزت‌نفس ارضاء نشود، نیازهای گسترده‌تر هم‌چون نیاز به پیشرفت و درک‌کردن محدود می‌ماند و علائمی نظیر افسردگی، بی‌اشتهایی عصبی، اضطراب، خشونت، رفتارهای جنگ‌جویانه و کناره‌گیری روانی - اجتماعی بروز می‌یابند (۳۱).

۵ نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عزت‌نفس، عاملی مهم در گرایش به اعتیاد و هم‌چنین زندگی شخصی و زناشویی بعد از اعتیاد است که می‌تواند به‌عنوان واسطه، رابطه بین عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر بر اعتیاد (با پیامدهای روانی و زناشویی) را تحت تأثیر قرار دهد و نارضایتی و دلزدگی زناشویی افراد معتاد را به همراه داشته باشد؛ لذا توجه به نقش مهم عزت‌نفس در مراکز مشاوره اعتیاد و خانواده و هم‌چنین در آموزش‌های فرزندپروری ضروری به نظر می‌رسد.

References

1. Pourallahvirdi M, Rahmani F, Ranjbar F, Ebrahimi H, Ettehad A. Major causes of drug abuse from the viewpoint of addicted persons referred to addiction treatment centers of Tabriz city, Iran. *Archives of Neuroscience*. 2016; 3(3): e37653 [[Link](#)]
2. Homish GG, Leonard KE, Kozlowski LT, Cornelius JR. The longitudinal association between multiple substance use discrepancies and marital satisfaction. *Addiction*. 2009 ; 104(7):1201-9. [[Link](#)]
3. Molodi A, Shayanmehr EK, Niri FG. The relationship between communication skills and marital burnout with marital commitment in working women and housewives. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*. 2015;4(3): 285-289. [[Link](#)]
4. Rahimpour R, Khankeh HR, Fallahi Khoshknab M, Farhoodian A, Farzi M. The evaluation of marital adjustment of the addicts in Isfahan NA groups and their couples. *Iranian Rehabilitation Journal*. 2012; 10(1):13-7. [Persian][[Link](#)]
5. Habibian N, Taghvaei D, Abdollahi M, Dashti S. A comparison between marital satisfaction of addicted spouses visiting addiction treatment centers and marital satisfaction of non-addicted spouses of Qom district. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*. 2015; 5(10S): 42-47. [[Link](#)]
6. Behzad S, Koolaei AK, Taghvaei D. The comparison of body image, quality of sleep and marital satisfaction among substance abuser and non-substance abuser women. *Community Health*. 2016; 3(1):31-40. [[Link](#)]
7. Mohammadi K, Samavi A, Ghazavi Z. The Relationship between Attachment Styles and Lifestyle with Marital Satisfaction. *Iranian Red Crescent Medical Journal*. 2016; 18(4):e23839 [[Link](#)]
8. Besharat MA, Ganjy P. The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2013; 14(56): 324-335. [Persian][[Link](#)]
9. Kheyri T, Abdolahi MH, Shahgholian M. Compare emotional intelligence, attachment style and self-esteem in addicts and non-addicts. *Journal of Health Psychology*. 2013; 2(2): 69-81.[Persian][[Link](#)]
10. Babaei Garmkhani M, Madani Y, Gholamali Lavasani M. Investigating the relationship between unrealistic relationship standards and communication patterns and their roles in predicting marital burnout in divorce seeking women. *Biannual Journal of Applied Counseling*. 2014; 4 (1): 67-84. [Persian][[Link](#)]
11. Talebil F, Yagubi A, Mohagegi H, Abdolmohammadi K, Torkaman M, Malekiran AA, et al. The relationship between attachment styles and problem-solving skills with marital conflict. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*. 2014; 4 (s3): 544-549. [[Link](#)]
12. Dibaji Froshani F, Emami Pour S, Mahmoudi G. Relationship between attachment styles and Conflict Resolution Patterns with women's marital satisfaction. *Journal of Thought and Behavior*. 2009; 2(3): 87-101. [Persian] [[Link](#)]
13. Dadgarmoghaddam M, Baseri H, Alipourtabrizi A, Khajedaluae M. The assessment of self-esteem in addicted women. *Razavi International Journal of Medicine*. 2016; 4(2): e36608. [[Link](#)]
14. Nasiry F, Bakhshi Pour Roudsary A, Nasiry S. A prediction of drug use based on self-esteem and emotional intelligence components. *Journal of Substance Abuse Addiction Research*. 2014; 8(31): 136-146. [Persian][[Link](#)]
15. Salary F. Compare the relationship between marital burnout and body image with self-efficacy and self-esteem in successful and unsuccessful female married students of Azad University Jiroft in the 90-91 academic year. *International Congress of Culture and Religious Thought, Qom, the center of cultural engineering Steering the General Council of Bushehr*; 2014. [Persian] [[Link](#)]
16. Pourdehghan M, Mohammadi SH, Mahmoudnia A. The relationship between self-esteem and marital satisfaction among schoolteachers. *Journal of Applied Psychology*. 2008; 2 (4): 701-712.[Persian][[Link](#)]
17. Bashlideh K. Investigate the relationship between marital satisfaction and job satisfaction with regard to the mediating role of self-esteem in guidance schoolteachers. *Journal of the Psychological Achievements (Educational Sciences and Psychology)*. 2014; 4 (3): 143-160. [Persian][[Link](#)]
18. Kamijany M. Comparison of attachment styles in normal adolescents and adolescents with mental retardation educable. *Science and Research in Applied Psychology, Islamic Azad University of Khorasgan*. 2009; 41: 69-91. [Persian][[Link](#)]
19. Mohamad Ali Pour Z, Rostami M, Ghaem Maghami M. Relationship between attachment styles and risk behaviors. *Quarterly Journal of Research on Addiction*. 2010; 4(15): 83-90.[Persian][[Link](#)]
20. Burnett S, Wright K. The relationship between connectedness with family and self-esteem in University students. *Department of Sociology, Furnam University*, 2002.1-42. [[Link](#)]
21. Alizadeh T, Farahani MT, Shahr aray M, Alizadeghan SH. The relationship between self-esteem and locus of control with infertility related stress in infertile men and women. *Journal of Reproduction and Infertility*. 2005; 2: 194-204. [Persian][[Link](#)]
22. Pines AM, Nunes R. The relationship between career and couple burnout: implications for career and couple counseling. *Journal of Employment Counseling*. 2003; 2: 50-64. [[Link](#)]

23. Adeeb Rad N, Adeeb Rad M. The relationship between marital relationship beliefs with marital burnout, and comparing it with the applicant divorced women and women want to continue their marital life. *Counseling Research (Counseling fresh and Research)*. 2005; 4(13): 99-110. [Persian][[Link](#)]
24. Zarei E, Heydari H, Mahmoodi Nodaj M, Askari M, Mohammadi H. The role of attachment styles in predicting of conduct disorder among students. *Quarterly Journal of Child Psychological Development*. 2015; 1(1): 67-74. [[Link](#)]
25. Razegy N, Mazahery MA, Ahadi H. The role of attachment styles in the wife priority selection criteria. *Developmental Psychology, Iran Psychologists*. 2014; 11(44): 405-415. [Persian][[Link](#)]
26. Bagheri M, Falah P, Fathi Ashyiani A. Defense and attachment styles in women with drug abuse and non-addicts. *Journal of Psychology*. 2013; 2(16): 220-236. [Persian][[Link](#)]
27. Poncet M, Toullic P, Papazian L, Kentish-Barnes N, Franc J, Timsit O, et al. Burnout syndrome in critical care nursing staff. *Am J Respir Crit Care Med*. 2007; 175: 698-704. [[Link](#)]
28. Baraz Pordanjani Sh, Karimipour F, Ebrahimi Dastgerdi M. Evaluation of the relationship between self - esteem and burnout in nurses of hospitals of Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences. *Nursing Research*. 2012; 7(27): 44-51. [Persian][[Link](#)]
29. Soudani M, Dehghani M, Dehghan zadeh M. The effectiveness of transactional analysis training on the marital burnout and couples quality of life. *Journal of Consulting and Family Psychotherapy*. 2013; 3(2): 160-180. [Persian][[Link](#)]
30. Atari Y, Hoseinpour M, Rahnavard S. Effective communication skills training with communication program Strategy to reduce the feeling of marital burnout in couples. *Andisheh Va Raftar*. 2009; 4(14): 25-34. [Persian][[Link](#)]
31. Mann M, Hosman CM, Schaalma HP, De Vries NK. Self-esteem in a broad-spectrum approach for mental health promotion. *Health Education Research Journal*. 2004; 19 (4): 357-72. [[Link](#)]